

چکیده:

هدف از این پژوهش، بررسی و تحلیل آثار و پیامدهای بحران نفتی ۱۹۷۳ و اثبات این امر است که به طور کلی اگرچه نفت ماده ای ارزشمند و سوختی پایان ناپذیر و منبع درآمدهای خوبی برای کشورهای صادر کننده نفت بوده است، اما صلاحیت و قابلیت کم کشورهای مزبور و نقشه های استعماری مختلف باعث آن شده که از این منابع خدادادی استفاده درست و در جهت توسعه کشورهای نفت خیز به عمل نیاید. تحقیق حاضر، با استفاده از روش کتابخانه ای از نوع تحلیل و در سطح خرد و کلان انجام یافته و مباحث آن در هفت فصل تنظیم شده است که به ترتیب عبارتند از: مقدمه، بحث نظری، نفت و برخوردها، عوامل بحران، پیامدهای بحران، جمع بندی و نتیجه گیری و سرانجام، خروجی های کامپیوتر، جداول و نمودارها. نتایج حاصل از تحقیق نشان می دهد، موانع متعددی بر سر راه رستاخیز اقتصادی کشورهای در حال توسعه وجود دارد. این کشورها با توجه به اینکه مراحل دشواری به نام توسعه به خود دیده اند، مآلاً، از آنها کشورهای ضعیف و فاقد هرگونه تحرک (در جهت تکامل) ساخته است. به این معنی که بعد از جنگ دوم جهانی بسیاری از این کشورها بخاطر تحولات و تغییرات اجتماعی خاصی که در آنها به وقوع پیوسته، تلاش مضاعف نمودند تا به توسعه اقتصادی دست یابند. اما به دلایل عدیده ای به این مهم نائل نگشتند. از جمله این دلایل می توان به حضور همه جانبه آمریکا در صحنه بین المللی به عنوان کشوری که در مدت جنگ دوم جهانی کم ترین لطمه را دیده بود و سیاست منفعت طلبانه آن اشاره داشت. کشورهای در حال توسعه قربانی سیاست هایی گشتند که تحت عنوان توسعه در آنها انجام می گرفت. کشورهای بزرگ صنعتی (نظام سرمایه داری) با اتکاء به این مطلب که به لحاظ وجود دوره های باطل و عدم قدرت کشورهای در حال توسعه در رفع این دوره های باطل و همچنین با طرح تئوری های مختلفی که متضمن توسعه کشورهای در حال توسعه به وسیله سرمایه گذاری های مختلف می بود، در ساختار اجتماعی کشورهای در حال توسعه تاثیر گذاشتند، تا به اهداف سود جویانه خود دست یابند. این در حالی بود که کشورهای در حال توسعه، استقلال واقعی خودشان را از دست دادند. اما حقیقت امر، به طوری که نظریه پردازان اقتصادی سیاسی کشورهای صنعتی مطرح می کردند نبود، یعنی وفور سرمایه های هنگفت، به خودی خود نمی توانست و نمی تواند حلال مشکلات کشورهای فوق الذکر باشد و بحث بحران نفتی ۱۹۷۴ نیز در راستای اثبات و اتقان همین ادعاست. از مسائل فوق و بحران نفتی ۱۹۷۴ این نتیجه به دست می آید که نظر به اهمیتی که وجود سرمایه و سرمایه گذاری و داشتن رابطه مبادلاتی قوی با دیگر کشورها، دارد در واقع این دو، مکمل یکدیگر می باشند و با اعتراف به این حقیقت که امروز از حساسیت تقاضای نفت کاسته شده و مانند گذشته نمی باشد. همچنین برخی اهرم ها از دست کشورهای صادر کننده نفت خارج شده، به نظر می رسد قبل از هر کاری باید جوامع در حال توسعه به نکاتی توجه نمایند که این نکات اساس و شالوده دیگر مباحث و مسائل است: (۱) مردم در کشورها باید به خود بقبولانند که فقر و نبود سرمایه

دال بر عدم امکان دسترسی به توسعه یافتگی نیست. ۲) رسیدن به توسعه در گرو توافق و تفاهم کامل بین دولت و مردم می باشد. ۳) بهترین راه برای رسیدن به توسعه توجه به امکانات بالقوه جوامع است ۴) برای رسیدن به توسعه اقتصادی، باید از تسری بخش سنتی و انجذاب آن در بخش صنعتی کاست و امکانات بالقوه و بالفعل کشور و سرمایه های موجود را متوجه بخشهای داخلی و سنتی نمود. ۵) استفاده از درآمدهای حاصل از فروش نفت در بخش های داخلی و تقویت آنها

کلیدواژه: نفت، صنعت و تجارت، بحران نفتی ۱۹۷۳، تاثیرات